



۲۰۲۰/۰۱/۲۰

حامد نوید

معبد سنگی ایبک یا تخت رستم

معبد بودایی ایبک که از سنگ بزرگی تراش یافته در ولایت سرسبز سمنگان موقعیت دارد و این جایگاه تاریخی در بین اهالی محل بنام **تخت رستم** مشهور است.

در عهد تمدن اوستایی سمنگان و خلم ساحه ای بود آبادان از توابع **زریاسپه** که ویرانه های آن هنوز شکوه مدنیت پارینه آریانای باستان را به یاد می آورد. **زریاسپه** نام دیگری بخدی یا بلخ کهن بود و از آنجاییکه فکر میشد زادگاه زردشت است با حرمت و قدر فراوان قرار داشت. مردم محل را عقیده برین است که زردشت مدتی را در سمنگان سپری کرده و این معبد سنگی بزرگ را رستم بنا نموده است. چون کسی بجز رستم نمیتوانست سنگی به این بزرگی را تراش کند و معبدی را بر فراز آن بیافزاید. نظر به عقاید پارینه رستم قهرمان افسانوی آریانا با **رخش** اسپ رزمنده و معروفش برای شکار به سمنگان آمد و پس از حوادثی چند با تهمینه دختر پادشاه سمنگان آشنا شد. تهمینه به او دل باخت و رستم نیز با او نرد عشق ورزید. شاه سمنگان تهمینه را به زنی رستم داد که ثمره این ازدواج فرزندی بود بنام سهراب. ازینرو مردم محل این جایگاه تاریخی را که در قلب ولایت سمنگان واقع است بنام **تخت رستم** یاد میکنند.

فردوسی شاعر دربار محمود غزنوی نیز جریان آشنایی رستم با تهمینه و تراژیدی کشته شدن سهراب را بدست پدر که در عالم ناشناسی اتفاق افتاد در شهنامه با آب و تاب شرح داده است، اما با وصف این باورها مبنی بر اسطوره های باستانی، **معبد سنگی ایبک یا تخت رستم** به اساس تحقیقات باستانشناسان یک نیایشگاه بودایی است که به گمان اغلب در عهد زمامداری کوشانیان آباد گردیده و در زمان فرمانروایی یفتلی ها معبد فعال و مزدحمی بوده است.

از جانب دیگر شهر **ایبک** که تخت رستم در دو کیلومتری جنوب شرق آن قرار دارد نیز یکی از تاریخی ترین نقاط ولایت سمنگان است. این شهر بر سر راه تجاری ای قرار داشت که از جنوب به بلخ ره میکشود. به اساس یادداشتهای پتالیمی Ptolemy واقعه نگار یونانی **ایکرویدیتس Eukratides** شاه بلخ در سده دوم پیش از میلاد مسیح در جنوب زریاسپه در جوار رود «دارگیدوس» Dargyodus احتمالاً دریای خلم محلی را بنام Varni واری یا آرنی (Uarni) در شرق زریاسپه یاد کرده است. ممکن است که «دارگیدوس» دریای شبرغان امروزی باشد، زیرا ویرانه های حصار و دیوارهای کهنی که تا هنوز بر فراز تپه های اطراف ایبک هویدا است دال بر موجودیت شهر کهنی درین نواحی میکند. شهر باستانی ایبک که تا اوایل ادوار اسلامی بنام **ادریسی** یاد میشد، در دوره زمامداری کوشانی ها مانند خلم یکی از مراکز عمده تجاری و تبادل های فرهنگی بود و بدیهیست که

بازرگانان، زائرین و مردمان صاحبان فکرواندیشه از هردیوار در آنجا می آمدند، تبادل نظر مینمودند و از همدیگر می آموختند.

از سوی دیگر سکه های که مربوط به عصر غزنویان است و از اینجا کشف گردیده تأکید به این نکته دارد که ایبک یا ادیسی باستان در هنگام اعتلای تمدن خراسان نیز یکی از شهرهای مهم بازرگانی در ادوار اسلامی بوده است. بطور عموم یکی از خصوصیات مهم معابد عصر کوشانی این بود که بیشتر آنها در جوار شهرهای تجارته آباد میگردد تا از یکطرف توجه بازرگانان و مردمان صاحب نفوذ را به این نیایشگاه ها جلب کنند و از جانب دیگر رفت و آمد زائرین را به این معابد سهلتر سازد.



نمایی از قلعه باستانی شهر تاریخی ایبک

به اساس یادداشتهای هوان تسانگ Hsuan-Tsang ویا به تلفظی Xuanzang مراسم مذهبی تراودا Theravada که یکی از شعبات سنتی کیش بودایی است درین نیایشگاه بزرگ برگزار میگردد. آموزه های تراودا که بر مبنای قوانین سختگیرانه پالی و آنچه از زبان مقربین بودا از جمله آنند پسر عم و همچنان حواریون نزدیکش نقل شده، استوار میباشد که این طرز دید در نقطه مخالف پیروان مکتب فکری مهائانا (چرخ بزرگ) قرار داشت. این طرز اندیشه به مکتب فکری موسپیدان سنتی مسمی بود و راهبان جوان و آزاد اندیش با ایشان توافق نظر نداشتند. اینکه این مکتب فکری که بیشتر در جنوب هند و سیلون گسترش داشت چگونه در سمنگان پیروان و هوا خواهانی پیدا کرده از مسایل پیچیده تاریخیست که تحقیق و پژوهش بیشتری را ایجاب میکند. شاید این امر ارتباط به مراحل نخستین پخش آئین بودیزیم در افغانستان در قرن ششم پیش از میلاد داشته باشد؛ بدین معنی که این کیش قرنها پیش از گسترش شعبه فکری مهائانا به افغانستان و ظهور امپراتوری مقتدر کوشانی در نواحی بلخ و سمنگان پیروانی داشته است. درینجا یک بار دیگر شرح پخش این آئین را که در مبحث (گسترش مذهب بودایی در افغانستان) آمده به توجه میرسانم:

در متن باستانی ایکه در حوالی سال ۵۳۷ پیش از میلاد نگاشته شده و از جمله قدیمیترین اسناد بودایی بنام **سروستی ودا Sarvastivada** یاد میشود آمده که دو برادر باختری تاجر به نامهای **ته پسو و پلهیکا** از جمله نخستین حواریون بودا بودند که از وی دعا گرفتند و حلف وفاداری یاد کردند. قرار مندرجات این متن این واقعه هشت هفته بعد از به روشنایی رسیدن **بودا شاکیامونی** رخ داده است. سوتراها (جملات مؤجز دین بودایی) همچنان اضافه میکند که **پلهیکا** یکی از راهبان مهم دین بودایی شد و در هنگام بازگشت به بلخ معبدی را برای بزرگداشت بودا بنا کرد و در آن هشت تار موی بودا را که بودا خود به او هدیه داده بود محافظت نمود.

از جانب دیگر، با آنکه بلخ خاستگاه **هنر هلنیستیک باختری** در ساحه صنعت ظریف پیکره سازی شناخته میشود، ولی پیکره های بودایی قابل ذکری مانند عبادتگاه های بودایی دیگر افغانستان از معبد سنگی سمنگان بدست نیامده، ازینرو این گمان شاید قرین به حقیقت باشد که مغاره های تخت رستم مربوط به مکتب فکری سنتی بودایی **تراودا Theravada** بوده و هنر پیکره سازی در آن عبادتگاه فرصت ظهور نیافته است. بدین معنی که شاید پیروان آن با پابندی به سنن باستانی خویش، حتی در عصر کوشانیها و درخشش **هنر هلنیستیک بودایی** (قرن دوم تا پنجم میلادی) عقاید پارینه خود را حفظ کرده و از ساختن پیکره های بودا ابا ورزیده اند.

با آنکه باستانشناسان تاریخ اعمار نیایشگاه تخت رستم را میان سده های چهارم و ششم میلادی که مصادف به عصر فرمانروایی کوشانیها و سپس یفتلی ها میگردد تخمین مینمایند، اما هیچ سندی در دست نیست تا تاریخ دقیق اعمار این عبادتگاه بزرگ را تعیین نماید. در حالیکه بصورت دقیق نمیدانیم که آیا **پلهیکا** آن عبادتگاه کهن بودایی را در داخل محوطه شهر بلخ آباد کرده بود و یا در نواحی خلم و سمنگان که در آنوقت از توابع بلخ بود، ابراز نظر در مورد قدامت تاریخی این نیایشگاه بصورت دقیق مشکل به نظر می آید، اما آنچه مسلم است همانا یاد داشتهای زائرین چینی مربوط به سده های پنجم و ششم میلادی میباشد که آنرا محل پرجمع و یکی از تریبیتگاه های مهم راهبان جوان بودایی خوانده اند. ازینرو با اتکا به اسناد دست داشته اکثر باستانشناسان قدامت آنرا در حدود ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ سال پیش تعیین کرده اند که همزمان با دوره تمدن **کوشان- و- یفتلی** میگردد.

بهرحال نیایشگاه عظیمی که امروز بنام **تخت رستم** مشهور است، مانند معابد متعدد بامیان دارای مساحت بزرگی بود و در هنگام آبادانی خود محل رهایش صد ها نفر را فراهم میساخت. ازینرو شامل چند بخش میگردد. بصورت عمومی ساحه وسیعی که این نیایشگاه بزرگ در آن اعمار گردیده به دوبرخ تقسیم میگردد:

اول: معبد بالای صخره محوطه ایکه در آنجا صخره سنگ عظیم قرار دارد

دوم: ساختمان های حفاری شده در تپه مقابل یا محل رهایش و تعلیمگاه راهبان

اول: صخره عظیم و معبد سنگی:

محوطه ایکه در آنجا صخره سنگ عظیمی با ابعاد بیش و کم ۸۰ متر قرار دارد و بر فراز آن عبادتگاهی از سنگ تراش یافته. این ساختمان از بلندی های یک میدانی فراخ که به گمان اغلب همانا تخت رستم است دیده میشود. باستان شناسان معتقدند که عبادتگاه اصلی همین ساختمان عظیم تراش یافته از سنگ است که در آن عبادات و نیایش های خاص مذهبی صورت میگرفته است.

صخره سنگ آهکی بزرگ و مدوری که اطراف آن به شکلی منظمی حفاری گردیده ساختمان عجیبیست که با عبادتگاه های باستانی دیگر افغانستان شباهت زیادی بهم نمیرساند. از قراین چنین برمی آید که این صخره عظیم بصورت طبیعی در جایگاه خویش قرار داشته و سپس در دورا دور آن راهروی را حفر کرده اند.



صخره عظیم معبد سنگی سمنگان ، از عجایب صنعت معماری جهان باستان

همچنان لبه ها و بدنه صخره را بطور دقیق تراش کرده اند تا شکل منظمی بخود بگیرد. این تراشکاری راهرو دایروی شکلی را در گرداگرد این صخره قطور ایجاد کرده که بسیار جالب است. اگر این صخره بزرگ را از نزدیک ببینیم ازین دهلیز طبیعی که در پای صخره مدور قرار دارد ارتفاع و عظمت این بنای تاریخی بهتر دیده میشود. اتاق های چند نیز در دیوارمقابل صخره حفر گردیده که شاید محل بودوباش راهبان خاص این معبد بوده است. چنانچه قبلاً ذکر گردید معبد که بر فراز صخره موقعیت دارد نیز از سنگ تراش یافته بر زیبایی طبیعی آن می افزاید. این ساختمان سنگی به اصطلاح درازرخ به شکل یک جعبه مکعب مستطیل طرح گردیده و دربی بسمت شرقی آن دیده میشود که یگانه مدخل این بنا است.

عده ای از باستان شناسان از جمله ژنین ابویر فرانسوی معتقدند که در داخل این بنای مستحکم متبرکات بودایی مانند مو و یا لباس بودا و امثال آن حفظ میگردد که جز راهبان بلند پایه کسی ازین راز آگاه نبوده است، ازینرو امکان دارد که **بلهیکا** و برادرش **ته پوسوهشت** تار موی بودا را درجعبه خاصی درین مکان گزاردند باشند. قرار فرضیه باستانشناسان این درب ورودی نیز با پارچه های سنگ مسدود میشده و در مواقع خاص با پس نمودن پارچه های سنگ متبرکات به بیرون انتقال می یافته است. البته پس از اجرای مراسم دوباره بجای اصلی خود قرار گرفته و مدخل دیوار از نو مسدود میگشته است.

در بالای بام این بنا ی این معبد سنگی مسندی مستطیل شکل دیگری به ضخامت ۲۰ سانتی متر یاکمی بیشتر دیده میشود. نظر به تخمین باستان شناسان، این ساختمان تهداب یک ستوپه کوچک و یا گنبدی بوده که بنام **هارمیکا** یاد میشود و مانند چتری بخش تزئیناتی ستوپه ها را میپوشانده است، اما از آنجاکه بجز از چند پارچه سنگ چیزی از آن باقی نمانده مشکل است تا درین مورد نظر دقیقی ارائه کرد.

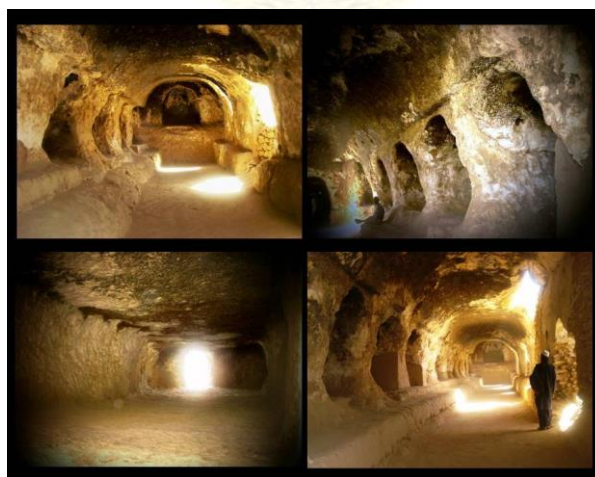
دوم: ساختمان های حفر شده در تپه مقابل:

درین تپه که در فاصله دورتری موقعیت دارد، سمج ها، دهلیز ها و مغاره های متعددی کنده شده. قرارگزارش هوان تسانگ جهانگرد و زائرچینی این مکان اختصاص به محل رهایش و تجمع زائرین و راهبان داشت.



ساختمان بیرونی تپه مقابل

به این اساس تا قرن هفتم میلادی در «دانش سرای» تخت رستم راهبان زیادی مشغول فراگیری اساسات آئین بودایی و علوم متداول آن زمان بوده اند. درینجا باید مکث کوتاهی بالای اصطلاح «دانش سرا» نمود که در متون قدیمی دری مانند اصطلاحات «کاروان سرا» و «مهمان سرا» بمعنی محل فراگیری دانش معمول بوده است، واز جمله میتوان از «دانشسرای» بغلان که در نزدیکی دوآب میخ زرین بر فراز تپه ای سنگی در عهد سلاطین غوری و یا پیشتر از آن در عصر غزنویان بنا یافته یاد کرد. بهرحال اگر نگاهی به دهلیزهای پرپیچ خم و دالانهای شکوهمند این بنا بنماییم پی به بزرگی این نیایشگاه باستانی برده میتوانیم.



نماهای چند از دالانهای داخلی دانش سرای سمنگان

با آنکه این ساختمان بزرگ در قلب تپه حفر گردیده اما از درجه های آن نور زیبایی بداخل میتابد که دهلیزهای پرپیچ وخم آنرا بگونه مطبوعی روشن میسازد. برخی از دهلیزها به تالارهای گرد هم آیی بزرگی منتهی میشود که سقفهای بلند و گنبدی شکل آن با گچ بری های ظریف گلبرگهای بهم پیوسته مزین است. تالارهای بزرگتر این

بنا گنجایش تجمع بیش از سی نفر را دارد. و این طرح بدیع یکی از دست آوردهای مهم دانش مهندسی و هنر معماری آن زمان است که تمدن فرهیخته افغانستان را در ادوار پار بیان میدارد.



نویسنده در یکی از مغاره های معبد سمنگان

